

azadi_kargarann@hotmail.com

www.azadikargaran.com

”Motarbetaren”

س: روز اول ماه مه امسال در جریان برگزاری مراسم این روز در شهر سقز در ایران شماری از کارگران بازداشت شدند . شما آقای حکیمی نیز از جمله بازداشت شدگان بودید. لطفاً جزئیات این واقعه را توضیح دهید.

ج: امسال کارگران سقز برای برگزاری مراسم اول ماه مه شورایی تشکیل داده بودند که با شورای مشابهی در تهران در رابطه بود. این شورا اعلام کرده بود که مراسم در روز اول ماه مه (۱۲ اردیبهشت) ساعت ۵ بعد از ظهر در مرکز شهر (پارک کودک سقز) برگزار خواهد شد. اما پیش از ساعت ۵، پلیس و نیروهای امنیتی محل را محاصره کرده بودند، به طوری که مردم به محض رسیدن به محل اعلام شده مورد حمله قرار گرفتند و بیش از ۲۰ نفر از کارگران از جمله اعضای شورای فوق دستگیر شدند. البته، جز ۷ نفر سایر بازداشت شدگان پس از ۱۲ ساعت آزاد شدند. س: این ۷ نفر چه کسانی بودند؟

ج: اینان ۶ نفر از رهبران سرشناس کارگری در استان کردستان بودند و نیز من که در تهران زندگی می‌کنم و برای سخنرانی در این مراسم دعوت شده بودم.

س: نام این شش نفر را می‌توانید ذکر کنید؟

ج: بله . هادی تنومند ، جلال حسینی ، اسماعیل خودکام، برهان دیوارگر، محمود صالحی و محمد عبدی پور.

س: دلیل پلیس و نیروهای امنیتی برای بازداشت شما چه بود؟

ج: آن‌ها می‌گفتند تجمع شما غیر قانونی است. با آن که کارگران معتقد بودند که برگزاری مراسم اول ماه مه به عنوان روز جهانی کارگر نیاز به مجوز دولت ندارد، اما درخواست مجوز کرده بودند. اما فرمانداری سقز که مسئول صدور مجوز برای تجمع‌ها و تظاهرات‌ها است به آن‌ها مجوز نداده بود.

س: رفتار آن‌ها با شما در جریان بازداشت و در زندان چگونه بود؟

ج: رفتار آن‌ها در جریان بازداشت به طرز شرم‌آوری توهین‌آمیز بود، و در زندان نیز جز سه روز آخر ما را در سلول‌های انفرادی نگه داشتند، که خود نوعی شکنجه است.

س: واکنش شما نسبت به این رفتار چه بود؟

ج: ما درست از زمان بازداشت خود در اعتراض به نفس‌بازداشت و همچنین این رفتار توهین‌آمیز اعتصاب غذا کردیم. این اعتصاب ۱۰ روز طول کشید و در روز دهم به تقاضای مردم سقز و نیز خانواده‌هایمان به آن پایان دادیم.

س: چه مدت در زندان بودید و چگونه آزاد شدید؟

ج: ۱۲ روز در زندان بودیم و با قرار وثیقه بسیار سنگین آزاد شدیم: به عنوان نمونه برای دو نفر از ما جمعاً ۴۰۰ میلیون تومان! البته آزادی ما تا حدودی به علت فشار افکار عمومی در داخل و خارج از ایران بود. برخی از سازمان‌های کارگری در خارج ایران با نوشتن نامه اعتراض‌آمیز به رئیس جمهوری ایران و همچنین شکایت از ایران به سازمان جهانی کار انزجار خود را از بازداشت ما اعلام کردند.

س: به این ترتیب شما در دادگاه محاکمه خواهید شد؟

ج: بله، ما را محاکمه خواهند کرد. ما متهم شده‌ایم و باید در دادگاه از خود دفاع کنیم.

س: چه اتهامی به شما زده‌اند؟

ج: پس از روز نخست بازداشت، ما را به دادگاه انقلاب اسلامی سقز بردند و در آن جا قاضی تفهیم اتهام کرد که عبارت بود از شرکت در تجمع غیر قانونی و - با کمال تعجب - هواداری از «کومله». که يك سازمان سیاسی چپ در کردستان است که چند سال با جمهوری اسلامی در جنگ

مسلحانه بوده است. ما در دادگاه این اتهام را رد کردیم. شایان ذکر است که در احضاریه هایی که تا کنون برای چهار نفر از ما آماده است، اتهام نخست حذف شده و فقط اتهام دوم مطرح شده است.

س: چرا؟

ج: زیرا اتهام نخست، هدف بازداشت کنندگان ما را برآورده نمی‌کند و کسی را نمی‌تواند مرعوب کند! از آن جا که اساساً هیچ تجمعی برگزار نشده و همه، پیش از برگزاری مراسم بازداشت شدیم، در صورت طرح این اتهام در دادگاه قطعاً همه ما تبرئه می‌شدیم. و این چیزی است که آن‌ها نمی‌خواهند. آن‌ها می‌خواهند ما را در زندان نگه دارند، و برای این کار اتهام دوم بیش‌تر به درد می‌خورد. احتمالاً آن‌ها فکر کرده‌اند که این اتهام ما و وکلای ما را مرعوب خواهد کرد. اما مشکل این اتهام آن است که حتی یک مدرک برای اثبات آن وجود ندارد!

س: دادگاه شما کی برگزار خواهد شد؟

ج: در روزهای دوم و سوم شهریور ماه امسال.

س: آیا شما وکیل مدافع خواهید داشت؟

ج: بله چند وکیل از ما دفاع خواهند کرد. علاوه بر این، «سازمان وکلای بدون مرز» هم وکالت ما را پذیرفته است.

س: از سازمان‌ها و رسانه‌های کارگری و نهادهای حقوق بشر چه انتظاری دارید؟

ج: انتظار ما از این سازمان‌ها و رسانه‌ها این است که به این دادگاه ناعادلانه اعتراض کنند، و از چنین دادگاهی که می‌خواهد کارگران را صرفاً به دلیل برگزاری جشن اول مه محاکمه کند بخواهند که حکم آزادی بی‌قید و شرط متهمان را صادر کند.

س: آقای حکیمی، شما را به عنوان «فعال جنبش ضد سرمایه داری طبقه کارگر» می‌شناسند.

ممکن است در پایان این مصاحبه کلامی چند در باره این جنبش برای خوانندگان ما بگویید؟

ج: جنبش کارگری در ذات خود جنبشی ضد سرمایه داری است که هدفش الغای کار مزدی است. منظورم این است که سوسیالیست‌ها نیستند که این جنبش را ضد سرمایه داری می‌کنند.

بلکه این جنبش به طور خودانگیخته ضد سرمایه داری است. کاری که سوسیالیست ها باید بکنند سازمان دهی این جنبش است. سوسیالیست ها با این کار تعارض خود انگیخته کارگران با سرمایه داری را به تعارض خود آگاهانه تبدیل می کنند.

در تمایز با این برخورد، رویکرد جریان غالب «سوسیالیستی» از زمان انترناسیول اول به بعد چیز دیگری بوده است. «سوسیالیست ها» - که من ترجیح می دهم آنان را سکتاریست ها یا فرقه گرایان بنامم - فکر کرده اند که وظیفه آن ها این است که در ابتدا کارگران را ضد سرمایه داری بکنند و سپس آنان را به سازمان ها و احزاب خود جذب کنند تا در گرفتن قدرت سیاسی به آن ها کمک کنند. بنابراین، این سکتاریست ها به جای سازمان دهی جنبش ضد سرمایه داری طبقه کارگر، پیشروان این طبقه را از جنبش شان بیرون کشیده و آن ها را به فعالان سیاسی انتزاعی برای دفاع از طبقات غیرکارگر تبدیل کرده اند. و بدین سان این جنبش را از رهبران و فعالان واقعی خود محروم ساخته اند.

در روی دیگر سکه، سندیکالیست ها را داشته ایم که از رویکرد بالا بسی منتفع شده اند. زیرا آنان با محدود کردن مبارزه طبقاتی طبقه کارگر به مبارزه اقتصادی بر زمینه پذیرش نظام سرمایه داری و واگذاشتن مبارزه سیاسی این طبقه به احزاب سیاسی کوشیده اند - و می کوشند - که جنبش ضد سرمایه داری طبقه کارگر را به جنبشی غیرسیاسی بدل کنند، که درست همان چیزی است که سرمایه داران می خواهند.

برآیند دو جریان فوق نوعی دوپارگی بوده است که در آن، از یک سو، شاهد احزاب و سازمان های سیاسی «ضد سرمایه داری» هستیم که ادعای نمایندگی طبقه کارگر را دارند اما در آن ها توده های کارگر غایب اند و، از سوی دیگر، توده های کارگر را می بینیم که یا اصلاً سازمان دهی نشده اند و یا در اتحادیه های کارگری فرمیستی سازمان یافته اند که حتی از حفظ دستمزدها در سطحی رضایت بخش نیز ناتوان بوده اند. منظور من از جنبش ضد سرمایه داری طبقه کارگر جنبشی سازمان یافته در مقابل نظام سرمایه داری و جریان های بورژوازی فوق است که در عین

مبارزه برای دست یابی به مطالبات روزمره کارگران برای رسیدن به هدف نهایی خود یعنی کسب قدرت سیاسی و الغای نظام مزدی به عنوان علت نهایی بردگی طبقه کارگر مدرن مبارزه می‌کند.